



بنگاه‌های اقتصادی تاب‌آور شوند

انطباق‌پذیری با حفظ گردش کار در یک بنگاه اقتصادی با صیانت از کارکنان، برند و داشته‌های آن بنگاه، معنای مفهوم تاب‌آوری است. به گزارش اتاق ایران آنلاین، پیام باقری، نایب‌رئیس اتاق ایران با اشاره به ضرورت توانمندسازی و تاب‌آوری کسب‌وکارها، گفت: پیشرفت بنگاه فرصت‌طلبی در وضعیتی که متغیرهای ویژه‌ای بر یک بنگاه حاکم است به معنای تاب‌آوری است؛ هرچند که اصولی بر آن حاکم بوده و باید رعایت شود؛ اولین اصل، سازگاری و دومین مورد، برنامه داشتن برای مقابله با ریسک‌هایی است که به مدیریت چابک نیاز دارد. او ادامه داد: سرعت تغییرات بالادست و یک بنگاه تاب‌آور با مدیریت درست و دقیق سیگنال‌ها را نسبت به ریسک‌ها دریافت و پیش‌بینی می‌کند. به باور این فعال اقتصادی یک بنگاه توانمند، دارای توان و تاب‌آور است. یعنی باید خود را پیش از اینکه دچار مشکل شود، توانمند کرده باشد که در این مسیر، اتاق‌ها مأموریت توانمندسازی بنگاه‌ها را به عهده دارند.



مشکلات عرضه تایلر

ممنوعیت فروش سبدهای تایلر، ضایعات تولید را افزایش می‌دهد و با این شیوه نظامات تولید و بازار به هم می‌خورد زیرا مبتنی بر شناخت بازار و طبیعت این صنعت نیست. مصطفی تنها، سخنگوی انجمن صنفی صنعت تایلر در گفت‌وگو با خبرنگاری مهر در مورد ممنوعیت فروش سبدهای تایلر، اظهار کرد: براساس این مصوبه مقرر شده که تایلر را به صورت سبدهای نفروشم و به هر کسی یک محصول بدهیم. وی افزود: وقتی یک تولیدی صورت می‌گیرد خطوط موازی دارد؛ یعنی از یک جایی محصولات مختلف از هم جدا می‌شوند. هر کارخانه متناسب با داده‌های بازار از سال قبل، برنامه‌ریزی تولید در ابتدای سال را برای خود انجام می‌دهد. بر همین مبنا نیز برای این برنامه‌ریزی از سال قبل مواد اولیه می‌خرند و تجهیزات و کارخانه را برای تولید برنامه‌ریزی شده مجهز می‌کنند. حال اگر تولید با نوسانات بازار خود را تطبیق دهد بر شیوه مواد اولیه و تجهیزات در کارخانه کم و زیاد می‌آید.



گیر گمرکی واحدهای نساجی

به دلیل برخی ناهماهنگی‌ها حدود ۵ هزار تن پنبه مورد نیاز واحدهای نساجی در گمرکات مانده و این در حالی است که نگهداری پنبه در بلندمدت به بیاف آن آسیب می‌زند. سیدشجاع‌الدین امامی‌رئوف، دبیر انجمن صنایع نساجی ایران در گفت‌وگو با مهر اظهار کرد: واردات پنبه شرایط خاصی دارد. همکاران ما گواهی می‌گیرند اما به دلیل اینکه تحریم هستیم نمی‌توانند مستقیم گواهی قرنطینه را به اسم ایران بگیرند. بر همین اساس پرداختی‌ها و اسناد به اسم امارات است و محموله‌های پنبه را در نهایت از امارات تحویل می‌گیریم و به ایران می‌آوریم. وی گفت: سازمان حفظ نباتات به این موضوع ایراد می‌گیرد و تأکید دارد که گواهی قرنطینه باید به اسم ایران باشد نه کشور ثالث. در این مدت ۵ هزار تن پنبه وارداتی در گمرک مانده و امکان ترخیص آنها را نداریم. در حالی که پنبه نیاز ضروری واحدهای ماست و نگهداری پنبه در بلندمدت به بیاف پنبه آسیب می‌زند.

قیمت نهاده مناسب نیست. نهاده‌ها بسیار گران و گوسفند ارزان است. البته با افزایش دوباره قیمت گوسفند، نگهداری از آن به‌صرفه است اما گوسفند مولد تا ۱۵ میلیون تومان هم به فروش می‌رسد زیرا بسیار کم شده است. اگر گوسفند و بچه باهم باشند، با قیمت بسیار بالاتر فروخته می‌شود. نژادهای مختلف گوسفند نیز قیمت‌های متفاوتی دارند. گوسفند‌های مهربان و افشار، بسیار گران هستند.

این فعال درباره بحث نهاده‌ها، یادآوری می‌کند: در بخش نهاده با کمبود مواجه نیستیم ولی حتی گندم که با سهمیه دولتی فروخته می‌شد، اکنون گران شده است. او از مشاهدات خود در میدان بهمن تهران می‌گوید: از ساعت چهار و پنج صبح، صف‌های میدان بهمن شروع می‌شود. خریداران گوشت گوسفندی وارداتی گرم شقه‌ای را کیلویی ۲۸۴ هزار تومان می‌خرند. این گوشت‌ها از استرالیا و مغولستان وارد می‌شود و گوشت گرم وارداتی است. معمولاً چند نفر گوشت می‌خرند و دوباره آن را می‌فروشند. لاشه گوسفند برای تنظیم قیمت به بازار تزیق می‌شود اما افراد با چندین کارت ملی مختلف می‌خرند و با قیمت بالاتر تا ۴۰۰ هزار تومان می‌فروشند. در صورتی که قیمت گوشت وارداتی از گوشت گوسفند محلی ارزان‌تر است.

گوسفند ارزان است

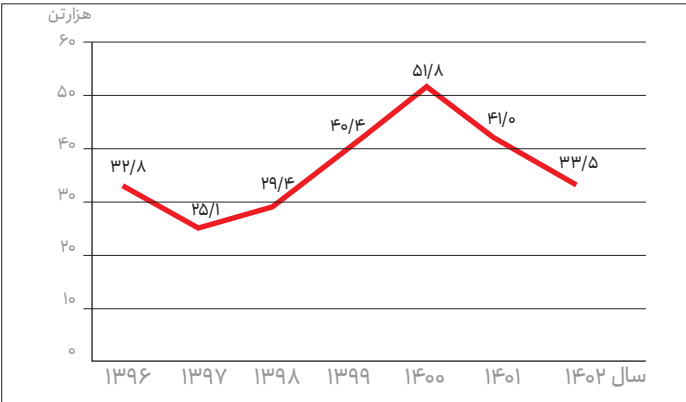
یک دامدار دیگر که آگهی فروش گوسفند در سایت دیوار دارد، به خبرنگار روزنامه هم‌میهن می‌گوید: هزینه نگهداری از گوسفند بسیار بالاست. باید مکان مناسب و سیستم‌های مناسب برای نگهداری از گوسفندان تدارک دید. آنوقت دام گران است و همه این‌ها باعث می‌شود گوسفند اصلاً به مرحله کشتار و تبدیل به گوشت نرسد.

بررسی‌ها و گفت‌وگو با یک مقام مسئول و یک فعال بخش خصوصی در حوزه دام و دو دامدار نشان می‌دهد که عمده تغییرات، رشد قیمت و کاهش عرضه گوسفند به کشتارگاه، ناشی از افزایش هزینه‌های تولید بوده است. اگر چه واردات گوشت از خارج از کشور، ممکن است باعث شود که قیمت این کالای اساسی، در برخی هفته‌ها نزولی شود- که تجربه نشان می‌دهد چنین نشده است- اما در مقابل این دامداری‌ها بودند که شاهد رشد هزینه تولید و البته کاهش تولید بودند. در واقع اگر دولت به شرایط دامداری‌ها و وضع تولید توجه می‌کرد، معماری کاهش عرضه گوشت و تبعات دیگر آن مانند گران‌گویی گوشت، کاملاً قابل پیش‌بینی بود.

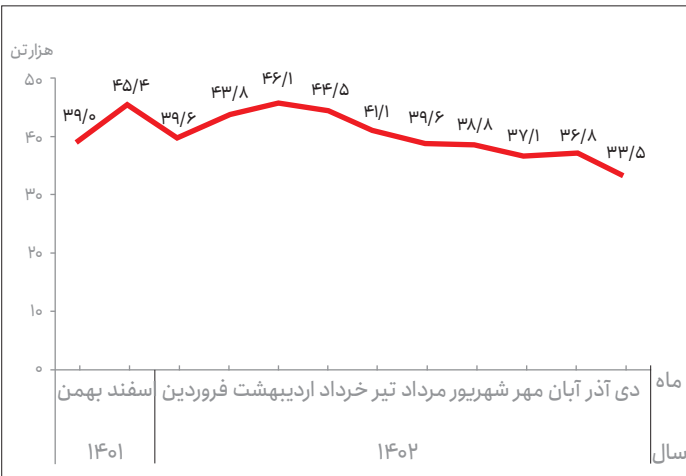
از سوی دیگر و به گفته فعالان این صنف نیز برخی از افزایش قیمت گوشت در بازار سود می‌برند. دلالت‌ها سودجویانی که دام زنده را به قیمت اندکی از دامدار خریداری کرده‌اند، اکنون سود کلانی به دست می‌آورند.

افرادی که لاشه گوشت نیمه‌گرم وارداتی را با قیمت‌های اندک خریداری کرده و بعد به قیمت گوشت داخلی فروخته‌اند نیز سرشان بی‌کلاه نمانده است. این‌طور که خبرگزاری‌های دولتی گزارش می‌دهند، قیمت کنونی هر کیلو دام زنده ۲۳۰ تا ۲۵۰ هزار تومان است که بر این اساس هر کیلو لاشه در کشتارگاه با نرخ ۵۶۰ تا ۵۷۰ هزار تومان عرضه می‌شود.

این در حالی است که قیمت هر کیلو دام زنده گوساله در سال گذشته ۹۶ هزار تومان و دام زنده گوسفندی ۱۲۶ هزار تومان بود. طبق عرف معمول هم قیمت هر کیلوگرم گوشت در مغازه باید دو برابر این میزان یعنی گوشت گوساله حدود ۲۰۰ هزار تومان و گوشت گوسفندی ۲۵۰ هزار تومان محاسبه می‌شد اما آنچه در بازار سال گذشته دیدیم، گوشت ۵۰۰ هزار تومانی بود که خبرش به سرعت تکذیب شد و روزنامه منتشرکننده این خبر هم توقیف شد. سود سرشاری که به جیب واسطه‌ها و دلال‌ها می‌رود، می‌توانست عاملی برای انگیزه بیشتر دامداران و تولیدکنندگان گوشت قرمز باشد. اگر چنین می‌شد، گزارش رسمی مرکز آمار خبر از هم‌ترازی سطح عرضه گوشت ماه با روزهای قرنطینه‌ای کرونا نمی‌داد و تولیدکننده، با خیال راحت به تولید ارزش افزوده در کشور می‌پرداخت. دامداران معتقدند که بیشتر از افزایش قیمتی که در روزهای اخیر در بازار گوشت رخ داده است، دلالت‌ها و واسطه‌گران به‌تور این گران‌گویی می‌دمند. از آنجا که گوشت جزو محصولاتی نیست که ستاد تنظیم بازار برای آنها قیمت تعیین کند، بنابراین نظارت بر قیمت هم انجام نمی‌شود و این امر فرصتی را برای سودجویان ایجاد کرده که حتی با وجود واردات گوشت در روزهای گذشته قیمت‌ها را همچنان افزایش دهند. البته، مدیرکل دفتر بازرسی و نظارت بر کالاهای اساسی وزارت جهاد کشاورزی بارها اعلام کرده که هر گونه گران‌فروشی گوشت، پیگیری و بررسی می‌شود اما مسئله این است که تولیدکننده دام، چگونه نهاده گران‌بخرد اما محصول خود را با قیمت پایین به دست حلقه بعدی تولید برساند؟ اصلاً چگونه است که تورم در برخی از کالاها در نظر گرفته می‌شود و برخی کالاها دیگر به شکل دستوری، قیمت ثابت دارند؟ مگر نهاده‌های دام و خوراک دام جزو کالاهای اساسی نیست؟ پس چرا بانک مرکزی به آن‌ها ارز اختصاص نداده است. اقتصاددانان بارها درباره لزوم یکسان‌سازی قیمت ارز سخن گفته‌اند اما بهتر نیست حالا که قرار است چندین و چند نرخ ارز داشته باشیم حداقل، ارز کالاهای اساسی سفره مردم را تأمین کنیم؟ همه این‌ها سوالاتی است که در طول یک‌سال گذشته، بارها از مسئولان دولتی پرسیده شده است اما آن‌ها، هر بار گفته‌اند که با قیمت‌گذاری دستوری مخالف هستند و معتقدند ارز باید یک نرخ داشته باشد اما هیچ‌کس جواب نداده که چرا این شعارها فقط به ورطه سخن می‌رسد.



نمودار روند تغییرات عرضه گوشت قرمز در کشتارگاه‌های کشور در دی‌ماه سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲



نمودار روند تغییرات ماهانه عرضه گوشت قرمز در کشتارگاه‌های کشور ۱۳ ماه اخیر

سمت بازار به دلیل تأمین شدن از محل واردات یکی از دلایل کاهش کشتار دام بود.

پوریان، وضعیت نهاده‌ها را وضعیت مطلوبی می‌داند و بیان می‌کند: امسال، نسبت به سال گذشته، وضعیت نهاده‌ها، بهتر بود. نهاده‌ها عرضه می‌شوند و قیمت مناسبی هم داشته‌اند. معمولاً در دی، بهمن و کلاً زمستان، میش و ماده بیشتر به کشتارگاه می‌روند.

او دلیل این امر را این‌گونه توضیح می‌دهد: دلیل این است که دامداران فصلی برای زایش دام دارند و سعی می‌کنند در حین پروابندی دام‌های مسازاد و بعد از پروابندی، دام‌های دیگر را بفروشند زیرا معمولاً در فصل بهار قیمت این دام‌های قبلی، کاهش می‌یابد و از طرف دیگر هم استفاده چندانی برای دامدار ندارند.

او می‌افزاید: بنابراین و با توجه به اینکه حجم زیادی از نیاز امسال بازار با استفاده از گوشت منجمد پاسخ داده شد، سطح کشتار کاهش خیلی زیادی داشت. به هر حال به دلیل کشتار میش و ماده، وضعیت تولید نیز افزایش یافته است و تولید و رشد زایش نیز در این بخش وجود دارد.

روایت مغفول دامدار

گفت‌وگوی روزنامه هم‌میهن با یک دامدار، نشان می‌دهد نهمین روایت وزارت جهاد و کشاورزی با روایت دامداران متفاوت است بلکه بخش خصوصی نیز از مشکلات دامداران آگاه نیست. مراد اخوست، یکی از دامداران استان مرکزی که عرضه‌کننده خرد هم هست، گفت‌وگو با روزنامه هم‌میهن به مشکلات دامداران اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که خیلی از دامداران، دام‌ها رو فروخته‌اند و عطای این شغل را به لقای آن بخشیده‌اند.

او می‌گوید: دلیل اینکه عرضه به کف چند سال گذشته رسیده، کاهش دام مولد است. ما در شهرستان خود به شکل خانوادگی، مرتع دامداری داریم و اکثر مردم در شهرستان ما، زرنديه، دامدار و کشاورز هستند. متأسفانه، چاه‌های ما خشک شده است و دولت هم به ما مجوز حفر چاه نمی‌دهد که به کشاورزی و دامداری ادامه دهیم. در پنج سال اخیر گوسفند، گران شد و بسیاری از افرادی که دامداری را رها کرده بودند نیز با افزایش قیمت، دوباره به این حرفه بازگشتند اما دام در سه سال اخیر با توجه به تورم، قیمت پایینی داشت و هزینه‌های نگهداری از آن بسیار زیاد بود. از سوی دیگر، قبلاً به ما ماهانه ۱۵ کیلو نهاده می‌دادند اما بعد از سه‌ماه این ۱۵ کیلو به هفت کیلو و بعد از آن هم به سه کیلو کاهش یافت. آخر کار هم دو کیلو و نیم نهاده به ما تحویل می‌دادند. قیمت نهاده‌ها هم افزایش یافت. به همین دلیل هم دامداران، گوسفندی که کاهش قیمت یافته بود و تازه خریداری هم نداشتند را به سختی فروختند. خریداران هم عمدتاً دلال‌ها بودند.

این فعال حوزه دام اظهار می‌کند: «اگر یادتان باشد، تصویری از چند کشتارگاه منتشر شد که گوسفندان مولد کشته شده بودند و هم‌زمان جنین گوسفندان هم با آن‌ها کشته می‌شد. تصاویر بسیار دردناک بود اما واقعاً برای همه دامداران ادامه این روند، تنها ضرر بود و گرنه هیچ عقل سالمی اجازه نمی‌دهد که گوسفند مولد را بفروشد.

سال گذشته، گوسفند دوباره گران شد. دلیل آن هم کمبود دام مولد است. وقتی آن همه گوسفند با بره‌ای که در شکم داشتند، کشته شدند، دام مولد نیز کاهش یافت. قرار بود تسهیلاتی به دامداران و کشاورزان اختصاص یابد اما تا جایی که اطلاع دارم هنوز کسی این وام را دریافت نکرده است.»

اخوست یادآوری می‌کند که علاوه بر همه این مشکلات،

البته آقای پیمان پاک دیگر برای ما توضیح نمی‌دهد که چگونه عرضه کالایی در حلقه اول توزیع کم شده اما در حلقه‌های بعدی افزایش یافته است و ما را با این پرسش تنها می‌گذارد. ولی احتمالاً می‌توان حدس زد که شاید چشم امید قائم مقام وزارت کشاورزی به گوشت وارداتی باشد؛ زیرا همان زمان که وعده ارزانی گوشت در آبان را داده بود هم چنین استدلال می‌کرد که قرار است گوشت وارداتی به بازار تزیق شود. بعد هم، حل مسئله را به بهار موکول کرده بود و گفته بود: در بهار که حجم تولید داخل بیشتر می‌شود و ثبات بهتری را در بازار گوشت خواهیم داشت

تومانی خیلی زود، تکذیب شد؛ هر چند قیمت گوشت قرمز واقعاً در بازار افزایش یافته بود. آن زمان، مسئولان گفتند که عکس منتشرشده در خصوص گوشت ۵۰۰ هزار تومانی مربوط به گوشت قطعه‌بندی شده و درجه یک بوده که معیار قیمت‌گذاری نیست و معیار برای تعیین قیمت گوشت باید قیمت لاشه یا شقه باشد. زیرا وقتی لاشه را قطعه‌بندی می‌کنند، برحسب ضایعاتی که از آن خارج می‌شود، قیمت آن تغییر می‌کند. حالا بیش از یک سال از آن تکذیبی گذشته است اما همه می‌دانند قیمت گوشت در برخی از محله‌های تهران به کیلویی ۷۰۰ هزار تومان هم رسیده است.

عرضه گوشت گاو و گوساله هم کم شد؟

عرضه گوشت گاو و گوساله به سطح ۱۸ هزار تنی رسید. یکی دیگر از انواع گوشت قرمز، گوشت گاو و گوساله است که مصرف زیادی در کشور دارد. عرضه این گوشت در دی‌ماه ۱۴۰۱ معادل ۲۰ هزار و ۷۰۰ تن گزارش شده که با کاهش بیش از ۳ هزار تن در دی‌ماه امسال مواجه شده است. بر این اساس عرضه گوشت قرمز گاو در دی سال جاری معادل ۱۸ هزار و ۲۰۰ تن بوده است.

آمار عرضه گوشت قرمز در آذرماه گویای آن است که عرضه گوشت گاو و گوساله در آذر امسال نزدیک به ۲۰ هزار و ۴۰۰ تن بوده که کاهش ۷/۱۰ درصدی را در دی امسال تجربه کرده است. همان‌طور که بارها گفته شد، روند عرضه گوشت در کشور گویای آن است که عرضه گوشت قرمز در دی‌ماه امسال پایین‌ترین سطح را در ۴۴ ماه اخیر داشته است. پیش از این پایین‌ترین سطح عرضه گوشت قرمز مربوط به خردادماه ۱۳۹۹ معادل ۳۰ هزار تن بوده است. کاهش در عرضه گوشت قرمز در کشور می‌تواند منجر به افزایش قیمت گوشت قرمز در بازار شود و تنها در صورتی که دولت با واردات گوشت قرمز، عرضه را در بازار زیاد کند، قیمت گوشت قرمز بازار هم وارد روند افزایشی نمی‌شود و تحت کنترل قرار می‌گیرد.

تقاضا نباشد، عرضه نمی‌شود

منصور پوریان، رئیس مجمع ملی صادرکنندگان دام ایران، که پیش از این گفته بود یکی از دلایل افزایش قیمت گوشت، فرار رسیدن فصل زمستان، فصل پروابندی گوسفند و آماده‌سازی دام برای عرضه بهار است، خبر کاهش عرضه دام به کشتارگاه را نگران‌کننده نمی‌داند و به روزنامه هم‌میهن می‌گوید: بیشترین حجم کشتارگاه‌های کشور در اطراف تهران و قم هستند. بیشترین مقدار کشتار دام نیز در تهران انجام می‌شود.

این فعال حوزه دام ادامه می‌دهد: در دی و بهمن، روزانه مقدار زیادی گوشت گرم وارداتی در تهران عرضه می‌شد. همچنین در این دو ماه مقدار زیادی گوشت منجمد به این استان وارد می‌شد. به همین دلیل تقاضای برای دام داخلی و کشتار داخلی در استان تهران بسیار کاهش یافت. تقاضا از

